

## علم گردانی در روز دفن شهدا

است. خانم‌ها برای اینکه ته دلشان حسرتی نماند که چرا ما در این مراسم سهمی نداریم، تا قسمتی از بولوار، علم‌ها را همراهی می‌کنند و بعد علمداران می‌روند تا امامزاده.

دهه دوم محرم تعزیه هم در سیرجان رونق خاصی دارد. روستای حسین آباد، محمود آباد و... مختص برگزاری تعزیه است و فضاهای مخصوص اجرای تعزیه در این روستاها بنا شده است. جای سوزن انداختن نیست بس که آدم از شهر آمده است برای دیدن تعزیه. یکی دو سال هم گروه تعزیه‌ای که در سریال شب دهم بازی کرده بودند، میهمان مردم سیرجان بودند و اشک همه را در عزای ابا عبدالله درآوردند. یاد عمومی به خیر که کرونا او را از ما گرفت.

هر سال با ما می‌آمد مراسم تعزیه.

غرق می‌شد در نقش خوانی هنروران. آن روزها چشمش که به اسب خونین وسط صحنه می‌افتاد، بی‌اختیار اشکش جاری می‌شد برای غربت جانسوز ابا عبدالله زمانی که از اسب بر زمین افتاد و کسی نبود. صدای طبل گوشه صحنه که در گوشش می‌پیچید و نوای شیپوری که غم می‌نواخت، در غروب محمودآباد غرق می‌شد و تصویری را که از روز عاشورا در تعزیه جریان گرفته بود، واقعی‌تر از همیشه برایش تداعی می‌کرد.

محرم در سیرجان یک محرم متفاوت است دست کم برای من. همه با جان و دل عزاداری می‌کنند. آن قدر غذای نذری می‌دهند که به برکت وجود امام حسین(ع) در ۱۰ روز اول محرم کسی قابلمه روی اجاق خانه‌اش نمی‌گذارد و هر ۱۰ روز اول را، ظهر و شب میهمان امام حسین(ع) است. حال و هوای محرم سیرجان یک مستند تمام عیار است.

زیر خیمه حاج رشید، صف اول کاروان حسینی و بالای سکوی حسینیه ثارالله. یک عزاداری که از عمق قلب بلند بشود. به شوری اشک بر مظلومیت ابا عبدالله، به گرمی آفتاب تابستان، به دلپذیری دل‌هایی که خالصانه برای اربابشان عزاداری می‌کردند.

در سیرجان مراسم عزاداری ابا عبدالله به همین جا ختم نمی‌شود و دهه دوم محرم هم برنامه‌های متنوعی وجود دارد. حسینییه قنبری که ساختمان خیلی بزرگی است و مثل منزل حاج رشید سه در دارد؛ اما هر سه در آهنی، در دهه دوم مراسم پامنبری برگزار می‌کند و سخنرانان مذهبی مطرح کشوری را دعوت می‌گیرد. مردم با شوق و رغبت ۱۰ شب دوم محرم را میهمان حسینییه قنبری هستند. دیگر در هیئت‌ها از زنجیر و علم خبری نیست؛ اما اشک هست، روضه هست و عزای امام حسین(ع). مراسم شیرخوارگان حسینی هم در همین حسینییه برگزار می‌شود. بچه‌های کوچک و دوست‌داشتنی، همگی ملبس به سیاه محرم، در آغوش مادرانشان در این حسینییه جمع می‌شوند و در همین فضا شیر آمیخته با اشک چشم مادرشان را می‌نوشند تا در بزرگی، سرباز امام حسین(ع) بشوند.

سه روز پس از عاشورا در سیرجان برنامه متفاوتی برگزار می‌شود. روز دفن شهدای کربلا، علم تمامی هیئت‌های شهر در بولوار دکتر صادقی جمع می‌شوند. فقط علم‌ها و علمدارهایشان. تصور کنید افزون بر ۲۰۰ علم بزرگ و کوچک، همگی یک جا جمع شده‌اند. منظره فوق‌العاده زیبایی است. این علم‌ها مراسم علم‌گردانی دارند به مناسبت روز دفن شهدا. علم‌ها راه می‌افتند با پای پیاده می‌روند تا حرم مطهر امامزاده احمد(ع) و در حیاط وسیع امامزاده دور هم جمع می‌شوند و به هم سلام می‌دهند. تمام وجود چشم می‌شود تا ثانیه‌ای حرکت علم‌ها را از دست ندهی تا از چشم‌ت دور نیفتد لحظه‌ای تصاویر دیدنی علم‌هایی را که در سوگ شهدای کربلا جمع شده‌اند و ببینی قطرات اشکی را که از گوشه چشم علمدارشان می‌چکد و «یا حسین» گویان، علم‌های سنگین را روی سینه نگه می‌دارند و به حرم امامزاده احمد(ع) سلام می‌دهند. من هم مثل بقیه هر سال، همه تن چشم می‌شوم و مراسم علم‌گردانی روز دفن شهدا را نگاه می‌کنم. البته خانم‌ها تا آخر مراسم علم‌ها را همراهی نمی‌کنند. مسیر کمی طولانی و تقریباً مراسم مردانه



ضلع غربی خانه شامل پنج اتاق اندرونی و بیرونی است که به هم راه دارند. هر یک دو پنجره چوبی مستطیل شکل دارد از آن‌ها که در فصل بهار بازشان می‌کردند و به مدد بادگیرهای موجود در پشت بام، بهتر از کولرهای امروزی هوای مطبوع و دل‌انگیز بهاری را میهمان اتاق‌ها می‌کردند. ضلع جنوبی چند پله می‌خورد و به دو اتاق بزرگ‌تر منتهی می‌شود که فاقد پنجره‌های چوبی هستند. به نظر می‌رسد این اتاق‌ها بعد از ساخت اولیه خانه به آن اضافه شده‌اند و البته با عبور از آن‌ها می‌توان به پشت‌بام راه یافت که منظره‌ای بس زیبا از شهر را جلوی چشمان بیننده نمایان می‌سازد. جنب پله‌ها در آهنی سبز رنگی است که در حال حاضر از آن برای آشپزی نذورات محرم استفاده می‌شود و من هرگز نتوانستم داخل آن را ببینم.

ضلع شرقی نیز سه اتاق بزرگ دارد که با یک راهرو کوچک به هم متصل می‌شوند و آن‌ها هم مزین به همان پنجره‌های چوبی مستطیل شکل‌اند و روزگاری شوق زندگی را در پس شیشه‌های سفید خود جای داده بودند.

ضلع شمالی و کنار در چوبی که محل عبور عزاداران است، یک ته گاه (سطح سیمانی که بالاتر از زمین است) قرار دارد که البته نمی‌دانم کاربردش در گذشته چه بوده؛ اما در حال حاضر محل نشستن عزاداران برای دیدن دسته‌های عزاداری است. وسط حیاط بزرگ خانه هم باغچه تقریباً بزرگی است که عمده گیاه آن درختچه گل محمدی است به علاوه چندین نمونه درخت دیگر.

هر ساله چند روز قبل از آغاز محرم با حضور نوادگان حاج رشید مراسم برپایی خیمه عزای ابا عبدالله در این خانه برگزار می‌شود. یک خیمه بزرگ و سفید که نیمی از حیاط را که منتهی به ضلع شرقی است، تا باغچه می‌پوشاند و عزاداران زیر این چادر می‌نشینند. دور تا دور خانه، آن قسمت که چادر را شامل می‌شود در محرم سیاه‌پوش شده و پیام‌های عاشورایی و جملاتی در باب سالار شهیدان و واقعه عاشورا بر سینه دیوار جا خوش می‌کند.

اتاق‌ها معمولاً محل نشستن نوادگان و منتسبان به خاندان حاج رشید است و افراد عادی نمی‌توانند از آن استفاده کنند. مردم عادی زیر خیمه و روی همان سکوی سیمانی که ذکر آن رفت می‌نشینند.

دسته‌های عزاداری با علم و طبل و سایر ملزومات از در چوبی وارد خانه شده و با حرکت زیر خیمه، حیاط را دور زده و از در آهنی خارج می‌شوند. خانه حاج رشید برای بیشتر سیرجانی‌ها یادگار روزگاران گذشته است و حس نوستالژی شدیدی را در آن‌ها بر می‌انگیزاند.



علم گردانی هم از آیین‌های عزاداری سیرجان است